

مطالعه مقایسه‌ای شاخص‌های توسعه جنسیتی در شهرهای لرستان ۱۳۸۵

اسداله نقدی، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان*
علی کرد علیوند، کارشناس ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان

چکیده

مشارکت و نقش زنان در زمینه‌های گوناگون، یکی از شاخص‌های توسعه در هر کشوری است. آمارهای موجود گویای آن است که امروز زنان ایران در جایگاه و منزلتی دوگانه قرار دارند. از نظر شاخص‌های بهداشتی - آموزشی زنان ایران در موقعیتی به مراتب بهتر از اکثر کشورهای منطقه قرار دارند، اما از نظر حضور در بازار کار و سهم درآمدی، در میان کشورهای در حال توسعه رتبه بسیار پایینی دارند. در عین حال، وضعیت استان‌های گوناگون در داخل کشور نیز بسیار متفاوت است. لرستان یکی از استان‌های کمتر توسعه یافته است، بویژه شاخص توسعه جنسیتی آن پایین است و علی‌رغم مواهب طبیعی بسیار، برخورداری‌های توسعه‌ای کمتری دارد. روش تحقیق این بررسی، تحلیل داده‌های ثانویه است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تاکسونومی عددی و تهیه ماتریس داده‌های اقتصادی - اجتماعی برای تعیین نمره توسعه یافتگی زنان و نابرابری‌های جنسیتی و تفاوت میان وضعیت زنان در شهرستان‌ها (رتبه هر شهرستان)، استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در شاخص بهداشت، شهرستان‌های الیگودرز، بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های دورود و ازنا در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های کوهدشت، پلدختر و سلسله در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان دلفان در طبقه محروم قرار دارد. در شاخص فرهنگی - آموزشی زنان نیز شهرستان‌های بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، و پلدختر و دورود در طبقه نسبتاً توسعه یافته، کوهدشت، سلسله و ازنا در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های الیگودرز و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص زیربنایی، شهرستان‌های خرم‌آباد و بروجرد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های الیگودرز و دورود در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های سلسله، کوهدشت و ازنا در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند.

واژه‌های کلیدی: شاخص‌های توسعه، توسعه جنسیتی، شهر استان لرستان.

مقدمه و بیان مسأله

داده‌های جهانی بیانگر پایین بودن شاخص توسعه انسانی زنان در مقایسه با مردان است، به طوری که این رقم در کشورهای توسعه یافته ۸۰ درصد، در کشورهای توسعه نیافته ۶۰ درصد مردان و در ایران، ۶۰ درصد مردان است. بررسی علل این تفاوت نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه یافته، این امر اغلب ناشی از اشتغال و سطح دستمزدهاست، در حالی که در کشورهای توسعه نیافته علاوه مورد ذکر شده، ناشی از سنت‌های اجتماعی، ساختار نظام‌های سیاسی، مذهب، بازار کار، سیستم تعلیم و تربیت و بهداشت است. مطالعات گسترده‌ای که انجام شده، بر این واقعیت دلالت دارد که تقریباً در همه نقاط جهان، زنان از وضعیت نازلتری نسبت به مردان برخوردارند. بنا بر گزارش جهانی ۲۰۰۴ برنامه توسعه سازمان ملل، تقریباً هیچ کشوری در شاخص‌های امید به زندگی، آموزش و درآمد شرایط برابری برای زنان فراهم نکرده است (سازمان ملل، ۲۰۰۴: ۳۹). این شرایط در کشورهای جهان سوم و کشورهای عقب مانده به مراتب وخیم تر از کشورهای پیشرفته است. از این رو، می‌توان گفت کاهش یا از بین بردن نابرابری‌های جنسیتی و دستیابی به توسعه انسانی در هر جامعه‌ای لازم و ملزوم یکدیگرند؛ به گونه‌ای که بدون جبران عقب ماندگی‌های تحمیل شده بر زنان در جامعه نمی‌توان به توسعه به معنای واقعی آن دست یافت (عظیمی، ۱۳۸۴). یکی از مباحث اساسی در زمینه توسعه، میزان بهره‌گیری درست و منطقی و به حداکثر رساندن رفاه اجتماعی است و رفاه اجتماعی تابعی از درآمد سرانه، توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات آموزشی، بهداشتی، رفاهی و میزان مشارکت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی مردان و زنان و ... است. زنان، به عنوان نیمی از جمعیت، تأثیر مستقیمی در

توسعه جامعه دارند (میر، ۱۳۸۷). در اهداف هزاره سازمان ملل نیز بهبود برابری جنسیتی و توانمند سازی زنان و رفع نابرابری‌های جنسیتی (مامسن، ۱۳۷۷: ۱۱) مطرح شده است. بنابراین، امروزه مشارکت اجتماعی زنان در فعالیت‌ها و عرصه‌های مختلف از حقوق اجتماعی آنان تلقی می‌شود (نقدهی و ایمانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). متأسفانه، در قالب برخی برنامه‌های توسعه نیز زنان به جای بهره‌مندی عملاً متضرر نیز شده‌اند: زنان در اقصی نقاط جهان محروم‌تر از مردان هستند و اگرچه حتی در حدود ۲۵ تا ۳۵ درصد موارد سرپرست خانوار نیز هستند، اما گاهی در قالب برنامه‌های توسعه، مانند تعدیل ساختاری در برخی جوامع متضرر نیز شده‌اند (Arku & Arku, 2011:29).

وضعیت زنان در استان‌های با بافت کشاورزی و روستایی و کمتر توسعه یافته در ایران، در مقایسه با مناطق بیشتر صنعتی و شهری شده گویای سطح پایین توسعه است. بنابراین، بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و تغییرات آن در طول زمان مستلزم شناخت موقعیت زنان در هر جامعه است؛ بویژه اگر دقت کنیم، در استان لرستان موقعیت زنان همپای با سایر استان‌ها پیشرفت نکرده و این امر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و عدم برنامه‌ریزی متأثر است. از این رو، پرسش اصلی این تحقیق شناسایی وضعیت توسعه جنسیتی و رتبه‌بندی شهرستان‌های استان و آرایه برخی راهکارهای لازم برای بهبود شاخص توسعه جنسیتی در استان لرستان است.

پیشینه و چارچوب نظری

پیشینه

مردانی و فضیله خانی (۱۳۸۵) به مطالعه تحلیل رابطه سطوح توسعه انسانی و جنسیتی با شاخص‌های محرومیت و بهره‌مندی باروری پرداخته‌اند و تفاوت زنان در مناطق روستایی استان‌های گوناگون کشور را

انگیزه‌های لازم در سازمان‌های بین‌المللی و بسیاری از حکومت‌ها به منظور تلاش در رفع تبعیض از زنان و طرح موضوع جنسیت در توسعه یا جنسیت و توسعه فراهم گردید. هدف از اعلام دهه زن از سوی سازمان ملل متحد این بود که جایگاه زنان در جهان بهبود یابد، اما با پایان این دهه روشن شد که توسعه خود به معضل تبدیل شده است. پس از آن تحقیقات بسیاری با عنوان زنان در توسعه و بعدها جنسیت و توسعه، به بررسی مسائل خاص زنان از دیدگاه‌های گوناگون پرداختند. در یک جمع‌بندی نظری از فرآیند تغییرات در نگاه به توسعه و زنان، و تبیین آنچه در مطالعات و پروژه‌های بین‌المللی انجام شده است، می‌توان چهار دیدگاه نظری به زنان در فرآیند توسعه را از هم تفکیک کرد:

نظریه رفاه

اولین توجه و کمک مستقیم به زنان، پس از جنگ جهانی دوم در اروپا بود. از آنجا که تعداد خانواده‌های تک سرپرست رو به فزونی نهاده بود، تصور بر این بود که با کمک اقتصادی مستقیم به زنان، خانواده‌ها از این کمک‌ها بهرمنند خواهند شد. بنابراین، می‌توان گفت محور کمک در واقع خانواده بوده است، نه زنان. بعدها کشورهای توسعه یافته، در برنامه‌ریزی برای کشورهای در حال توسعه از این شیوه استفاده کردند و با این کمک‌ها در جهت ارتقای سطح سلامت و کنترل جمعیت کوشیدند: گرچه این روش به علت سهولت در اجرا و بازتاب سریع در جامعه محبوب دولت‌ها بود، اما اشکالاتی اساسی داشت؛ از جمله اینکه زنان مانند کودکان و معلولان جامعه، جزو گروه‌های آسیب‌پذیر و منفعل تلقی می‌شدند. آنها بدون شرکت در فرآیند توسعه تنها کمک گیرنده بودند. هدف تنها رشد اقتصادی بوده و کمک‌های مالی و کمک به رفاه اجتماعی

در سطح باروری و نیز امکانات بهداشتی و پزشکی هنگام باروری با توجه به رتبه متفاوت این مناطق در شاخص توسعه انسانی و جنسیتی در سال‌های عنوان شده بررسی کرده‌اند.

شیبانی و افشاری (۱۳۸۲) به مطالعه رابطه بین توسعه اقتصادی و نابرابری جنسیتی که یکی از مهمترین مباحث هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم در علوم اجتماعی بوده و نقش سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل، فعالانه به بررسی اثر سیاست‌های اقتصادی بر موقعیت زنان پرداخته‌اند.

مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در تحقیقی با عنوان جنسیت و توسعه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) به بررسی وضعیت و شاخص توسعه جنسیتی در منطقه منا پرداخته است.

موسوی خامنه، ودادهیر و برزگر (۱۳۸۹) توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت، آموزش (نتایج مطالعه‌ای بین‌کشوری) و وضعیت آموزشی زنان را با ابعاد گوناگون توسعه در حوزه توسعه انسانی و توسعه جنسیتی و در ارتباط با شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی و سیاسی تحلیل و از راه مطالعه تطبیقی میان کشورهای با درجات متفاوت از حیث توسعه یافتگی، روندهای آموزشی در این کشورها را مطالعه کرده‌اند.

چهارچوب نظری

توسعه پایدار و همه‌جانبه در هر اجتماعی زمانی تحقق پیدا می‌کند که شامل همه گروه‌های اجتماعی، بویژه زنان و دیگر گروه‌های هدف گردد، اما برنامه‌های توسعه اولیه به علت بی‌توجهی به مسائل زنان، به کوری جنسیتی و مردگرا بودن متهم شدند و در نهایت با اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان "سال جهانی زن" و در پی آن اعلام دهه زن از سوی سازمان ملل، توجه جهانیان به نقش زنان در توسعه جلب شد و

است که برنامه‌ها باید برای همه مردم تدوین شوند و بین مشارکت زنان و مردان فرقی گذاشته نشود و همگان از مزایا و منافع توسعه به طور یکسان بهره‌برداری کنند: این رویکرد در دهه زن از سوی سازمان ملل اعلام شد (پیت، ۱۳۸۴: ۲۵۳)

نظریه فقرزدایی

در این نظریه تأکید بر از بین بردن عدم تساوی زن و مرد، به از بین بردن نابرابری‌های اقتصادی تغییر جهت داد و امور زنان از مسأله برابری جدا شده، به از بین بردن فقر متمایل شد. نگرش اصلی این نظریه به زنان جهان سوم به عنوان فقیرترین فقرا بود. اساس این نظریه بر این فرض استوار است که فقر زن و نابرابری او با مرد، نتیجه دسترسی نداشتن به تملک زمین، سرمایه و تبعیض موجود در بازار کار است. بنابراین، باید منابع تولیدی را در دسترس زنان قرار داد و سطوح اشتغال زنان و اعطای اعتبارات مالی به آنها را افزایش بخشید. راهبردهای این نظریه شامل مهارجمعی، سوادآموزی و دستیابی بیشتر زنان به اشتغال بود. از جمله ایرادات وارد بر این نظریه آن است که به زن صرفاً به عنوان یک تولیدکننده نگریسته و نقش باروری و پرورش فرزند او را به حیطة فراموشی سپرده است (سوری، ۱۳۸۰).

نظریه کارایی

در نظریه کارایی تمرکز از زن برداشته و بر توسعه نهاده شد. فرض بر این است که اگر توسعه اتفاق بیفتد، خود به خود مشارکت زنان را می‌طلبد و این امر موجب افزایش برابری خواهد شد. بنا براین، هدف افزایش کارایی و تولید تعریف می‌شود، نه بهبود وضعیت زنان؛ گرچه این نظریه در برنامه‌های بین‌المللی طرفدارانی دارد. این نظریه در راستای برنامه‌های تعدیل ساختاری صندوق بین‌المللی پول

خانوار فقط در جهت دستیابی به رشد اقتصادی انجام می‌شد. در این دوره گرچه آموزش‌های تغذیه‌ای و مبارزه با فقر و سوء تغذیه و تأکید بر سوادآموزی زنان موجب افزایش آگاهی‌های زنان شد، اما در راه رفع نیازهای راهبردی زنان گامی مؤثر برداشته نشد (آهنگری، ۱۳۸۶).

نظریه برابری و عدالت

بازنگری توسعه در دهه ۱۹۷۰ نشان داد با آنکه زنان مشارکت‌کنندگان فعالی بودند، اما تولیدات آنان در پروژه‌های توسعه به حساب نیامده است، زیرا بیشترین کار زنان در بخش کشاورزی معیشتی بود و یا به عنوان نیروی کار خانوادگی محسوب می‌شدند که مزدی دریافت نمی‌کردند. بدین ترتیب، این نظر مطرح می‌شود که باید فرصت‌های برابر برای زنان و مردان ایجاد کرد. در این نظریه تصدیق شد که زنان باید از طریق استخدام و معرفی به بازار کار وارد فرآیند توسعه شوند، فرصت‌های شغلی برایشان ایجاد شود، نابرابری‌های جنسیتی کاهش یابند و به استقلال مالی زنان کمک شود. از این منظر، منشأ آسیب زنان در واقع وابستگی اقتصادی زنان تلقی می‌شود. بر اساس منطق راه حل این مسأله بر تقسیم دوباره منابع و منافع به گونه‌ای که عقب ماندگی زنان در توسعه جبران شود و در نتیجه تساوی بیشتر همراه با رشد حاصل شود، تأکید دارد (تقوی، ۱۳۷۸). این نظریه دو رهیافت را دنبال می‌کند.

الف) رهیافت حساس به جنسیت؛

ب) رهیافت بی‌طرفی جنسیتی.

در رهیافت حساسیت جنسیتی، اعتقاد بر این است که از آنجا که میان زنان و مردان در همه ابعاد توسعه تفاوت‌هایی وجود دارد و زنان از امکانات مردان برخوردار نیستند، بنابراین، باید به زنان توجه خاص شود. در رهیافت بی‌طرفی، جنسیتی، نظر بر آن

قرار داشت و بر مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی جدیدا بازسازی شده تأکید می‌کرد (پیت، ۱۳۸۴: ۲۵۳). در برنامه سوم نیز مطابق با این نظریه موضوع توسعه مشارکت زنان... در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (صادقی فسائی، ۱۳۸۶: ۲۲) در شورای برنامه‌ریزی توسعه استان‌ها دیده شد. در کنار رویکردهای فوق دسته‌بندی دیگری نیز وجود دارد که رویکرد زن در توسعه^۱ در دهه ۱۹۷۰ نخستین بار توسط کمیته زنان انجمن توسعه بین‌المللی که متشکل از جمعی از زنان متخصص حرفه‌ای در رشته توسعه بود، به کار گرفته شد، با این نظر کلی که زنان منابع ناشناخته‌ای هستند و می‌توانند سهم چشمگیری از امکانات اقتصادی توسعه را در کشور فراهم سازند و از منافع آن نیز برخوردار شوند؛ اما با توجه به عدم توفیق نسبی رویکرد تمرکز بر زنان به شکل مجزا از مردان و بقیه جامعه در دهه ۱۹۸۰ رویکرد جنسیت و توسعه^۲ جایگزین رویکرد «زن در توسعه گردید (شادی طلب، ۱۳۷۹: ۴).

در این برداشت، توسعه به مثابه مسأله‌ای تکنیکی تعریف شد که به روش‌های پیشرفته موجود در جهان اول نیاز دارد. گزارش‌های نوشته شده پیرامون زنان جهان سوم از زبان سیاسی تبعیت می‌کرد که در مؤسسات بین‌المللی توسعه به کار برده شد. ادغام زنان در توسعه، در اصل مستلزم این بود که کارشناسان زنان در توسعه گفتن به زبان سیاسی تبعیت می‌کرد که در مؤسسات بین‌المللی توسعه به کار برده می‌شد. ادغام زنان در توسعه، در اصل مستلزم این بود که کارشناسان زنان در توسعه صحبت کردن به زبان سیاسی و بوروکراتیک را بیاموزند. یافته مهم مولر این بود که گفتمان زنان در توسعه به جای اینکه نیروی آزادی بخش در جنبش جهانی زنان باشد، به گونه‌ای تولید و وارد مؤسسات توسعه گردید تا بتواند تقسیمات سلسله مراتبی نظام سرمایه‌داری جهانی را حفظ کند (پیت، ۱۳۸۴: ۲۵۲). رویکرد زنان در توسعه نشان می‌دهد که زنان باید به حوزه نوسازی وارد شوند. دیدگاه زنان و توسعه بیانگر این است که زنان همیشه بخشی از روند توسعه بوده‌اند و دقیقاً پیوند آنان با نوسازی بود که

در رویکرد جنسیت و توسعه بر اساس اصطلاح جنسیت بر مبنای تفاوت‌های اجتماعی بین زنانگی و مردانگی و روابط اجتماعی (الگوهای اجتماعی روابط بین زنان و مردان) تأکید دارد تا در فرآیند توسعه زنان منفعل نبوده، به کنشگران فعال، مستقل و توانا تبدیل شوند و به طور فعال در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری توسعه شرکت نمایند تا زمینه دستیابی به برابری جنسیتی فراهم گردد (خانی، ۱۳۸۶: ۴۴). این تئوری بر تغییر نقش‌ها و روابط جنسیتی تأکید می‌کند (Reeves & Baden, 2000: 35).

در تئوری‌های زنان در توسعه به عنوان رویکردی غیر تاریخی تأثیرات متغیرهایی، مانند: طبقه، نژاد یا فرهنگ بر زنان و به عبارت دیگر، روابط جنسیتی،

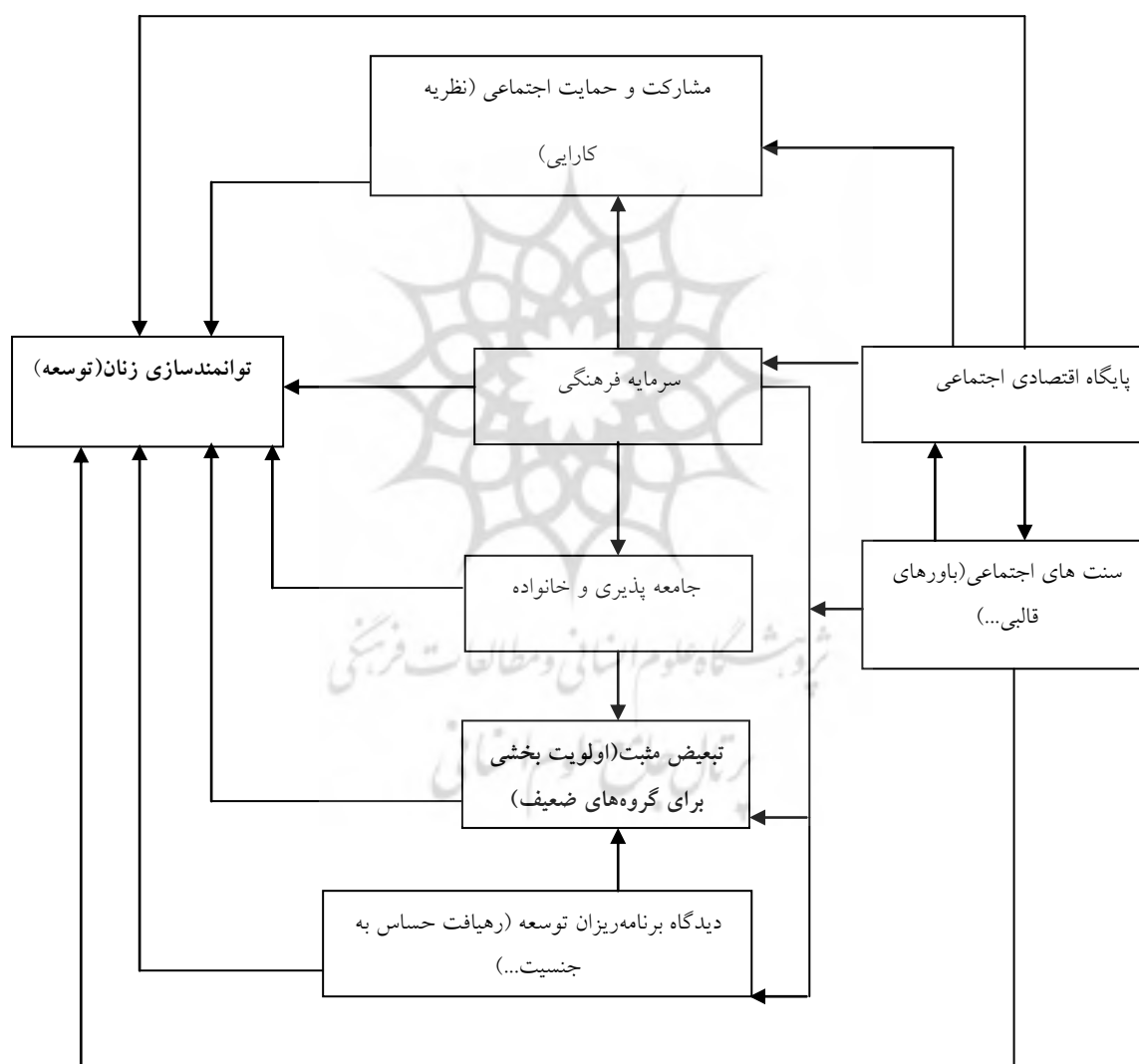
در تئوری‌های زنان در توسعه به عنوان رویکردی غیر تاریخی تأثیرات متغیرهایی، مانند: طبقه، نژاد یا فرهنگ بر زنان و به عبارت دیگر، روابط جنسیتی،

¹ Women in Development (WID)

² Gender and Development (GAD)

خشونت مردانه تأکید می‌نماید، بیشتر در صف فمینیسم رادیکالی قرار دارد که معتقدند جنسیت بر طبقه اولویت دارد. شبکه بین‌المللی محققان زنان جهان سوم عمدتاً طرفدار دیدگاه زنان و توسعه است. گیتا سن و گارن گرون (۱۹۸۷) معتقدند که بحث پیرامون زنان فقیر و ستم‌دیده دیدگاهی قوی برای بررسی آثار برنامه‌ها و استراتژی‌های توسعه در مورد زنان می‌باشد (همان: ۲۵۸).

آنها را تضعیف و ناتوان کرد. نایلا کبیر (۱۹۹۴) بین دو گروه مکتب زنان و توسعه تمایز قابل شده است. فمینیسم وابستگی از چارچوب مارکسیستی-فمینیستی استفاده می‌کند و نابرابری‌های بین مردان و زنان را حاصل اقتصاد گسترده جهانی می‌داند. این تحلیل، نقد رویکرد زنان در توسعه از نظریه اصلی توسعه گسترش را می‌دهد. گروه دوم که بر مرد سالاری سرمایه‌داری جهانی و



نمودار ۱- مدل نظری شماتیک تحقیق

شاخص توسعه جنسیتی

این شاخص برای نشان دادن تفاوت‌های موجود بین دو جنس از شاخص‌های توسعه جنسیتی^۳ و شاخص توانمندسازی جنسیتی^۴ استفاده می‌شود. این دو شاخص از سال ۱۹۹۴ به بعد در گزارش‌های سالانه سازمان ملل متحد برای کشورهای مختلف محاسبه شده است. شاخص توسعه جنسیتی از ۱۹۹۵ توسط دفتر برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل متحد مطرح شد و میانگین بدون وزن دهی سه شاخص است که تفاوت جنسیتی را در امید به زندگی در بدو تولد، ثبت نام ناخالص و نرخ باسوادی و همچنین درآمد، بررسی می‌کند. در شاخص توسعه جنسیتی از نماگرهای مشابه که در شاخص توسعه انسانی به کار رفته، استفاده می‌شود. تعدیل رتبه‌بندی شاخص توسعه انسانی برحسب نابرابری‌های جنسیتی، به ترتیبی که بیان‌کننده ارزش مؤنث هر کدام از اجزا نسبت به ارزش مذکر آن باشد، راهی برای نمایاندن این تفاوت‌هاست. اطلاعات مربوط به امید به زندگی و آموزش عموماً به تفکیک جنس جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل می‌شود، اما در مورد درآمد برای تعیین چگونگی تقسیم محصول ناخالص داخلی بین مردان و زنان راهی وجود ندارد. مسلم است که توزیع درآمد نه تنها از تفاوت ظرفیت‌های کسب درآمد بین مردان و زنان متأثر است، بلکه به شدت تحت تأثیر توزیع منابع در درون خانواده نیز قرار دارد (یحیایی، ۱۳۸۳: ۱۵). همچنین شاخص توانمندسازی زنان، میانگین بدون وزن دهی سه عاملی است که بیانگر اهمیت حضور زنان در جامعه است. این شاخص درصد زنان در پارلمان نسبت به مردان و نسبت زنان در میان مدیران ارشد، مدیران و متخصصان و کارکنان فنی، تولید ناخالص زنان به

مردان و نسبت سرانه سهم زنان و مردان از درآمد حاصل شده را در بر می‌گیرد. در حقیقت، بر اساس رهیافت‌های مرتبط با بحث زنان در امر توسعه مانند رهیافت حساس به جنسیت در برنامه‌ریزی توسعه و نیز فقرزدایی از زنان و افزایش کارایی زنان در فرآیند زندگی اجتماعی، گام اول شناخت وضع موجود شاخص‌های توسعه مبتنی بر جنسیت در هر شهر یا استان است که در ادامه مقاله، این روند در استان لرستان مطالعه شده و گام بعدی استفاده مدیران برنامه‌ریزی توسعه از چنین یافته‌های برای بهبود امور است.

روش تحقیق

روش تحقیق این بررسی تحلیل داده‌های ثانویه است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تاکسونومی عددی استفاده شده است. ابتدا ۲۴ شاخص مرتبط با توسعه زنان در شهرستان‌ها در سرشماری ۸۵ محاسبه و سپس نمره توسعه یافتگی زنان و نابرابری‌های جنسیتی و تفاوت میان وضعیت زنان در شهرستان‌ها (رتبه هر شهرستان)، محاسبه و تحلیل شد و سپس به برخی از علل توسعه نیافتگی اجتماعی زنان در این شهرستان‌ها به صورت مختصر اشاره شد.

روش آنالیز تاکسونومی عددی

به طور کلی، آنالیز تاکسونومی عددی یک روش عالی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و مقایسه فعالیت‌های مختلف با توجه به درجه بهره‌مندی و برخورداری آن فعالیت‌ها از شاخص‌های مورد بررسی است و از توانایی‌های عمده این روش، آن است که قادر است دو عمل را در کنار هم انجام دهد: یکی اینکه مجموعه مورد بررسی را بر اساس شاخص‌های ارائه شده به زیر مجموعه‌های همگن تقسیم کند و دیگر

³ Gender Development Index (GDI)

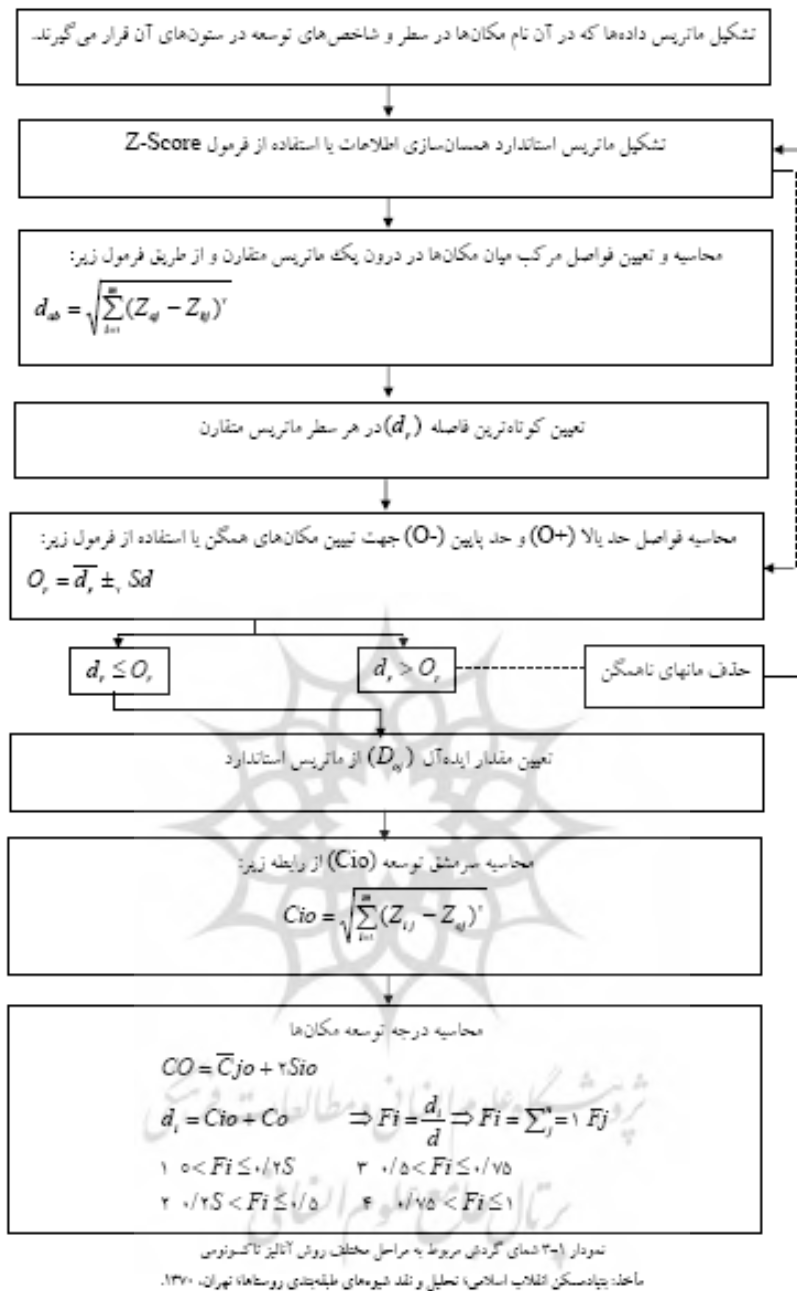
⁴ Gender Empowerment measurement (GEM)

لحاظ توسعه یافته‌تر یا عقب‌مانده‌تر است، اما اندازه‌گیری کمی توسعه یافتگی، کار ساده‌ای نیست، زیرا توسعه دارای معانی گوناگونی است. روش تاکسونومی عددی یکی از روش‌های معمول در بررسی سطح توسعه مناطق یا نقاط مورد مطالعه و گروه‌بندی آنها در مجموعه‌های همگن است (آسایش، ۱۳۷۹).

آنالیز تاکسونومی برای طبقه‌بندی‌های مختلف در علوم به کار برده می‌شود. نوع خاص آن، تاکسونومی عددی است که بنا به تعریف، ارزیابی عددی شباهت‌ها و نزدیکی‌ها بین واحدهای تاکسونومیک و درجه‌بندی آن عناصر به گروه‌های تاکسونومیک است. این روش برای نخستین بار توسط «آندرسون» در سال ۱۷۶۳م پیشنهاد شد و در سال ۱۹۶۸م به عنوان وسیله‌ای برای طبقه‌بندی و درجه توسعه یافتگی بین الملل و گروه‌های مختلف، توسط پرفسور «هلونینگ» از مدرسه عالی اقتصاد در یونسکو مطرح شد. این روش کلاً یک روش عالی درجه‌بندی، طبقه‌بندی و مقایسه کشورها یا مناطق مختلف با توجه به درجه توسعه اجتماعی و مدرن بودن آنهاست و همچنین، روشی است که یک مجموعه را به زیرمجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم کرده، مقیاسی قابل قبول برای بررسی میزان توسعه یافتگی گروه‌های مختلف در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهد. تکنیک موردنظر، شامل چندین مرحله عملیاتی است که به هر دو شیوه محاسبه دستی و کامپیوتری قابل اجراست. در شکل زیر مراحل سنجش توسعه اجتماعی زنان با استفاده از روش تاکسونومی عددی مطرح شده است.

آنکه عناصر و اعضای هر زیر مجموعه همگن را درجه‌بندی کند. این روش همچنین به عنوان مدلی شناخته شده در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای مطرح بوده که دارای کاربردهای گسترده و متنوع است. از طرفی دیگر، روش تحلیل تاکسونومی عددی به همه شاخص‌ها با اهمیت یکسان می‌نگرد و فاقد وزن‌دهی به شاخص‌ها در درون مدل است که چنانچه تمایل داشته باشیم به برخی از شاخص‌ها، وزن و اهمیت بیشتری داده شود، در آن صورت داده‌های مربوط به آن شاخص را باید با وزن بیشتر و از ابتدای کار وارد مدل کنیم، نتایج را به دست آوریم، سپس به مقایسه نتایج مقاطع زمانی ۸۵-۱۳۵۵ پردازیم که در آن صورت، وضعیت شهرستان‌های استان لرستان از نظر توسعه اجتماعی زنان و نابرابری‌های جنسیتی در حالت‌های کلی و بخشی، طی مقاطع زمانی فوق مشخص خواهد شد. پس از آن به بررسی علل عقب‌ماندگی توسعه اجتماعی زنان در این شهرستان‌ها می‌پردازیم. در پایان بر اساس نتایج به دست آمده، راهکارهای عملی برای کاهش نابرابری جنسیتی در توسعه اجتماعی شهرستان‌های استان ارائه شده است (آسایش، ۱۳۷۵).

به منظور رتبه‌بندی مناطق با فعالیت‌های مختلف، روش‌های متفاوتی ارائه شده است. روش تاکسونومی عددی یک روش رتبه‌بندی و مقایسه کشورها یا مناطق با فعالیت‌های مختلف با توجه به درجه توسعه با برخورداری آنها از امکانات است؛ به طوری که قادر است با تلفیق تعدادی از شاخص‌های مرتبط با معیار مورد بررسی، گزینه‌های مورد مطالعه را اولویت‌بندی نماید. اگرچه ممکن است به سادگی بتوان اظهار کرد که منطقه‌ای از منطقه دیگر از هر



نمودار ۲- مراحل اجرای تاکسونومی

سؤالات تحقیق

۳- شاخص و رتبه توسعه انسانی و توسعه انسانی تعدیل شده بر حسب جنسیت در استان لرستان در مقایسه با استان‌های دیگر چگونه است؟

۱- توزیع شاخص توسعه جنسیتی در بین شهرهای استان لرستان چگونه است؟

۲- آیا پراکنش نمره توسعه جنسیتی در ابعاد اجتماعی، بهداشتی و زیر بنایی در شهرهای مختلف تفاوت معنی‌داری دارد؟

یافته‌های تحقیق

استان لرستان یکی از استان‌های نسبتاً محروم ایران

بالایی باشد و زنان نیز در چنین جوامعی با معضلات عدیده‌ای مواجه باشند. در ادامه این بخش، ماتریس و نمودارهای حاصل از اجرای تکنیک ارائه شده است تا نمره و رتبه هر یک از شهرهای استان در امور زنان و توسعه جنسیتی مشخص گردد.

است که علی‌رغم پتانسیل‌های طبیعی بسیار در زمینه توسعه با چالش‌های جدی مواجه است. ساختار روستایی و کشاورزی در کنار ساختار جمعیت بسیار جوان و ... سبب شده تا نرخ بیکاری و برخی آسیب‌های اجتماعی در این استان در حد بسیار

جدول ۱- محاسبه درجه توسعه اجتماعی زنان در شهرستان‌ها بر اساس کلیه شاخص‌ها در سال ۱۳۸۵

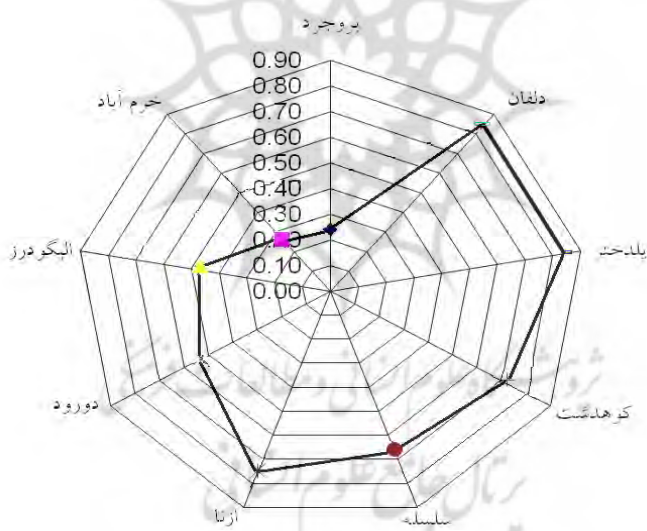
شاخص‌ها نام شهرستان	1	2	3	4	24	سر مشق توسعه c	رتبه f
خرم‌آباد	0.29	0.22	0.00	4.24	+++++	3.17	6.54	0.28
بروجرد	0.00	0.26	6.91	0.00	+++++	4.80	6.22	0.25
الیگودرز	1.47	0.21	0.09	9.61	+++++	5.90	9.04	0.47
دلفان	6.88	0.21	5.70	6.65	+++++	2.25	12.12	0.92
سلسله	6.37	0.21	0.05	7.01	++++	3.20	8.86	0.69
کوه‌دشت	4.47	0.21	0.05	6.68	+++++	2.31	10.01	0.74
پلدختر	7.38	0.22	0.05	10.35	+++++	2.00	10.27	0.87
دورود	7.38	0.23	0.28	6.70	+++++	2.70	8.78	0.53
ازنا	2.09	0.23	0.28	6.70	+++++	3.60	8.47	0.56
			\bar{C}			میانگین		8.92
			S			انحراف معیار		1.82
			$c(+)=\bar{C}+2S$			حد بالا		12.56

شهر بزرگ و مرکزی نیز بالاترین جایگاه را اشغال کرده‌اند. در جدول فوق با استفاده از تقسیم سرمشق هر حوزه بر حد بالای سرمشق توسعه، رتبه هر حوزه مشخص می‌شود.

نمره هر شهرستان در در جدول فوق به خوبی فاصله توسعه شهرهای استان را نشان می‌دهد. در ستون F هرچه نمره شهری بیشتر باشد، بیانگر توسعه نیافتگی است، بنابراین، پلدختر با نمره 0.87 و دلفان با نمره 0.92 در پایین‌ترین سطح قرار دارند و دو

جدول ۲- رتبه‌بندی شهرستان‌ها بر اساس کلیه شاخص‌ها در سال ۱۳۸۵

نام شهرستان	C سر مشق توسعه	f رتبه
بروجرد	6.22	0.254
خرم آباد	6.54	0.281
الیگودرز	8.47	0.473
دورود	8.78	0.531
ازنا	8.86	0.562
سلسله	9.04	0.694
کوهدشت	10.01	0.742
پلدختر	10.27	0.871
دلفان	12.12	0.925



نمودار ۲- پراکنش شهرستان‌ها از برخوردارترین تا محرومترین شهرهای استان لرستان براساس ایتیمم شاخص

جدول ۲- طبقه‌بندی شهرستان‌های استان لرستان بر اساس کلیه شاخص‌های در سال ۱۳۸۵

شهرستان	درجه توسعه	طبقه
-	بیشتر توسعه یافته	۰ تا ۰/۲
بروجرد، خرم‌آباد	توسعه یافته	۰/۲۱ تا ۰/۴
الیگودرز، ازنا، دورود	نسبتاً توسعه یافته	۰/۴۱ تا ۰/۶
سلسله، کوهدشت	نسبتاً محروم	۰/۶۱ تا ۰/۸
پلدختر، دلفان	محروم	۰/۸۱ تا ۱

به این صورت است که شهرستان خرم‌آباد و بروجرد در طبقه توسعه‌یافته، شهرستان‌های ازنا، دورود و الیگودرز در طبقه نسبتاً توسعه‌یافته، شهرستان‌های سلسله و کوهدشت در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند.

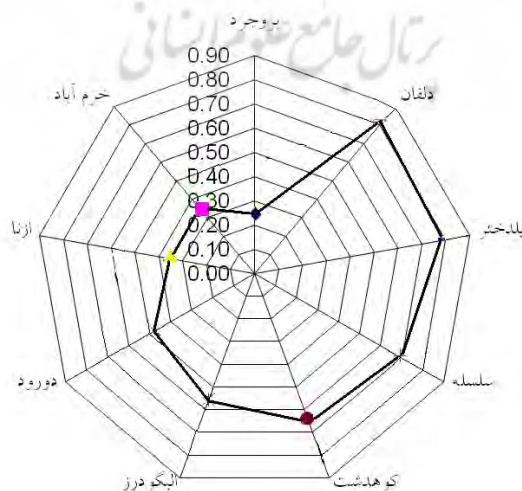
هدف از انجام و اجرای تکنیک‌های تاکسونومی یا تحلیل عاملی، رسیدن به طبقه‌بندی‌های مختصرتر با اهداف کاربردی است. در اینجا با توجه به جدول فوق، نتیجه می‌گیریم که طبقه‌بندی شهرستان‌های استان لرستان در سال ۱۳۸۵ بر اساس شاخص‌های بیست و چهارگانه توسعه اجتماعی زنان در جدول



نقشه ۱- طبقه‌بندی شهرستان‌های استان لرستان در سال ۱۳۸۵

سطح توسعه پایین‌تری برخوردارند. لذا ضرورت آمایش سرزمین و توزیع عادلانه‌تر پروژه‌ها، اعتبارات و به طور کلی، دستاوردهای توسعه‌ای در استان کاملاً مبرهن است و لازم است مدیران استان در قالب برنامه پنجم توسعه و دیگر برنامه‌های بلند مدت و میان مدت در جهت کاستن از این فاصله گام بردارند.

در نقشه فوق نتیجه حاصل از اجرای تکنیک و رتبه‌بندی به شکل شماتیک بر روی نقشه استان برای درک بصری و نمایش فضایی ارائه شده است. نکته اساسی این است که دو شهر مرکزی استان بیشترین مواهب توسعه را دریافت می‌کنند و در ردیف مناطقی با رتبه توسعه بالاتر قرار دارند و شهرهای پیرامونی از



نمودار ۳- نمودار اپتیمم

کوهدشت در طبقه نسبتاً محروم و در نهایت، دو شهرستان الیگودرز و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. این روند بیانگر توسعه نامتوازن استان است، هرچند خود استان در کل در ردیف استان‌های کمتر توسعه یافته کشور قرار دارد، شاهد نوعی فاصله توسعه جنسیتی نیز در بین شهرهای استان هستیم که این امر مؤید محرومیت مضاعف زنان در این مناطق در برخورداری از مواهب توسعه است.

با توجه به جدول و نمودار فوق، طبقه‌بندی شهرستان‌های استان لرستان در سال ۱۳۸۵ بر اساس شاخص‌های فرهنگی - آموزشی توسعه اجتماعی زنان، به ترتیب از توسعه یافته‌ترین شهرها تا شهرهای با کمترین توسعه نشان می‌دهد که شهرستان مرکز استان (خرم‌آباد) و بروجرد در طبقه توسعه یافته، سپس شهرستان‌های دورود و پلدختر در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های سلسله، ازنا و

جدول ۴- شاخص‌های توسعه تراز شده به تفکیک شهرستان‌ها ۱۳۸۵

شاخص شهرستان	جمعیت	اقتصاد	زیربنایی	فرهنگی - آموزشی	بهداشتی - درمانی	جمع	شاخص تراز شده به یک
خرم‌آباد	۴	۴	۴	۴	۴	۲۰	۱
بروجرد	۴	۴	۴	۴	۴	۲۰	۱
دورود	۳	۲	۳	۳	۳	۱۴	۰/۷
ازنا	۴	۲	۲	۲	۳	۱۳	۰/۶۵
الیگودرز	۳	۳	۳	۱	۴	۱۴	۰/۷
کوهدشت	۲	۲	۲	۲	۲	۱۰	۰/۵
پلدختر	۲	۱	۱	۳	۲	۹	۰/۴۵
سلسله	۲	۳	۲	۲	۲	۱۱	۰/۵۵
دلفان	۲	۱	۱	۱	۱	۶	۰/۳

یافته، شهرستان‌های الیگودرز و دورود در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های سلسله، کوهدشت و ازنا در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص اقتصادی زنان، شهرستان‌های بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های سلسله و الیگودرز در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های دورود، ازنا و کوهدشت در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص جمعیتی زنان، شهرستان‌های بروجرد، خرم‌آباد و ازنا در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های دورود و الیگودرز در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های کوهدشت و سلسله در طبقه نسبتاً

بر اساس داده‌های فوق در شاخص بهداشتی - درمانی زنان، شهرستان‌های الیگودرز، بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های دورود و ازنا در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های کوهدشت، پلدختر و سلسله در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص فرهنگی - آموزشی زنان، شهرستان‌های بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های پلدختر و دورود در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های کوهدشت، سلسله و ازنا در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های الیگودرز و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص زیربنایی، شهرستان‌های خرم‌آباد و بروجرد در طبقه توسعه

محروم و شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. بر اساس محاسبه شاخص توسعه انسانی، توسعه انسانی تعدیل شده برحسب جنسیت و شاخص توانمندسازی زنان استان لرستان در کشور به ترتیب ۰/۶۸۰، ۰/۴۹۹ و ۰/۲۰۷ کسب کرده است که در مقایسه با نمره استان تهران (۰/۸۴۲، ۰/۶۱۰ و ۰/۴۴۱) محرومیت این استان در مقایسه با استان‌های توسعه یافته کشور است (صادقی و کلهر، ۱۳۸۶: ۱۴).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ایده آمایش سرزمین از توزیع عادلانه‌تر جمعیت، امکانات و مواهب توسعه در عرصه‌های برنامه‌ریزی و اقلیم حمایت می‌کند. از سوی دیگر، توسعه پایدار نیز مستلزم کاستن از فاصله گروه‌های اجتماعی مختلف از دستاوردهای توسعه و در یک کلمه انسانی‌تر شدن توسعه است. در این میان، زنان یکی از گروه‌های اجتماعی هدف در هر نوع برنامه‌ریزی و سیاستگذاری توسعه هستند. در ایران از برنامه دوم توسعه کشور به این سو، بویژه و به صورت جدی‌تر در برنامه سوم مسأله زنان وارد برنامه‌های توسعه کشور گردید: شروع توجه به مسأله جنسیت و زنان از برنامه سوم است، بویژه هنگامی که یک ماده مشخص (۱۵۸) به مسأله زنان اختصاص یافته است (صادقی فسائی، ۱۳۸۶: ۲۲). موضوع زنان به صورت جدی‌تری در برنامه‌ریزی توسعه کشور مد نظر قرار گرفته، اما روند تحول شاخص‌های مربوط به توسعه اجتماعی زنان در مناطق مختلف کشور، روند متفاوتی را طی نموده است. در این میان، استان لرستان یکی از مناطقی است که اغلب شاخص‌های توسعه در آن، بویژه توسعه مبتنی بر شاخص‌های جنسیتی، نسبت به سایر مناطق پایین‌تر است. در این بررسی مشخص شد که شهرستان‌های استان لرستان طی سال‌های گذشته روند متفاوت توسعه را طی نموده‌اند، به طوری که در

شاخص بهداشتی - درمانی، شاخص‌های فرهنگی - آموزشی نیز وضعیت به همین منوال بوده است و شاخص‌های موجود نشان دهنده رشد کمی و کیفی در این زمینه هستند. در شاخص زیربنایی، وضعیت توسعه اجتماعی زنان، یافته‌ها نشان دهنده این موضوع است که روند تحول شاخص‌های مربوط به توسعه اجتماعی زنان. علاوه بر این، در مورد شاخص‌های مربوط به وضعیت اقتصادی زنان نیز، شهرستان‌های استان با نوسان‌های زیادی همراه بوده است. در شاخص جمعیتی زنان، شهرستان‌های این استان در موضوع توسعه اجتماعی زنان با یکدیگر مساوی نبوده، تفاوت‌های زیادی در آنها دیده می‌شود.

شهرستان‌های پرجمعیت استان لرستان که بیشتر جمعیت آنها را ساکنان روستاها تشکیل می‌دهند، روند توسعه اجتماعی زنان از سرعت بالاتری در مقایسه با شهرستان‌های باجمعیت کل کمتر و شهرنشینی بیشتر (مانند بروجرد) برخوردار بوده است. علاوه بر این، در شاخص بهداشتی - درمانی زنان، شهرستان‌های الیگودرز، بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های دورود و ازنا در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های کوهدشت، پلدختر و سلسله در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص فرهنگی - آموزشی زنان، شهرستان‌های بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های پلدختر و دورود در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های کوهدشت، سلسله و ازنا در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های الیگودرز و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص زیربنایی، شهرستان‌های خرم‌آباد و بروجرد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های الیگودرز و دورود در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های سلسله، کوهدشت و ازنا در طبقه نسبتاً محروم و

_____ (۱۳۷۹). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*، دانشگاه پیام نور.

آهنگری عبدالمجید و مسعود سعادت مهر. (۱۳۸۶). *تعیین درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان ۸۲-۱۳۷۵*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی. تقوی، نعمت‌الله. (۱۳۷۸). *مبانی جمعیت‌شناسی*، تبریز: انتشارات دآنیال.

بی‌نام، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سند ملی توسعه استان لرستان، مصوب هیات وزیران در مورخ ۱۳۸۴/۴/۵.

بی‌نام، سرشماری تفصیلی عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵-۱۳۵۵)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان.

پیت؛ ریچارد: الین هارت و یک. (۱۳۸۴). *نظریه‌های توسعه*، ترجمه مصطفی ازکیا، رضاصفری شالی و اسماعیل رحمانپور، تهران: لویه.

پاملا، ابوت: کلروالاس. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نیریا.

خانی، فضیله. (۱۳۸۵). *جنسیت و توسعه*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

سوری و دیگران. (۱۳۸۰). *گزارش اقتصادی - اجتماعی استان لرستان*، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان لرستان.

سن، آمارتیاکومار. (۱۳۸۵). *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه: وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران، دانشگاه مدیریت.

شادی طلب، ژاله. (۱۳۸۱). *توسعه و چالش‌های زنان ایران*، تهران: قطره.

شادی طلب، ژاله. (۱۳۷۹). «برنامه‌ریزی جنسیتی بر پایه واقعیت‌ها»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۱۱ و ۱۲.

شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند.

در شاخص اقتصادی زنان، شهرستان‌های بروجرد و خرم‌آباد در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های سلسله و الیگودرز در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های دورود، ازنا و کوهدشت در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. در شاخص جمعیتی زنان، شهرستان‌های بروجرد، خرم‌آباد و ازنا در طبقه توسعه یافته، شهرستان‌های دورود و الیگودرز در طبقه نسبتاً توسعه یافته، شهرستان‌های کوهدشت و سلسله در طبقه نسبتاً محروم و شهرستان‌های پلدختر و دلفان در طبقه محروم قرار دارند. این موضوع نشان دهنده نوسان توسعه اجتماعی زنان در شهرهای مورد مطالعه است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که روند توسعه اجتماعی زنان در شاخص‌های مربوط به وضعیت بهداشتی^۰ درمانی کند بوده است، لذا پیشنهاد می‌شود که برای سلامت زنان و ارتقای وضعیت شاخص‌های بهداشتی درمانی زنان، تدابیر و برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد. این مهم را می‌توان از طریق چندی، از جمله جذب دانشجویان دختر رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی در این استان با تأکید بر نیروهای بومی استان، افزایش سطح آگاهی زنان و بهبود وضعیت سلامت زنان تحقق بخشید. شهرستان‌های دلفان، پلدختر و الیگودرز در شاخص کلی توسعه جنسیتی در پایین‌ترین رتبه قرار دارند و لازم است همچنانکه در چهارچوب و مدل نظری تحقیق نیز اشاره شد (رهیافت حساس به جنسیت و کارایی) با نوعی تبعیض مثبت در برخورداری‌های آتی از منظر مواهب توسعه و مشارکت بیشتر زنان در فرآیند توسعه مورد توجه قرار گیرند.

منابع

آسایش، حسین. (۱۳۷۵). *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*، انتشارات نور.

- Arku Cynthia & Frank Arku. (2011), Development Constructs and Gender Relations: *Journal of Peace, Gender and Development Studies* Vol. 1(2) pp. 028-033.
- Reeves Hazel and Sally Baden. (2000), Gender and Development: Concepts and Definitions, Institute of Development Studies University of Sussex.
- UN. (2004), world women development perspective.
- صادقی فسائی سهیلا و سمیرا کلهر. (۱۳۸۶). مطالعه ابعاد جنسیتی برنامه های سوم و چهارم توسعه، انتشارات دانشگاه تهران.
- عظیمی، ناصر. (۱۳۸۴). علل نابرابری توسعه در شرق و غرب گیلان برنامه ریزی منطقه ای شهری و انباشت سرمایه، مشهد: نشر نیکا.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۰). برنامه ریزی و توسعه منطقه ای، انتشارات خوشبین.
- میر، جرالد. (۱۳۸۷). مباحث اساسی اقتصاد توسعه ترجمه: غلامرضا آزاد، جلد اول و دوم، تهران: نشر نی.
- نقدی، اسداله، اسماعیل بلالی و پروین ایمانی. (۱۳۸۹). «موانع مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی»، فصلنامه پژوهش زنان، ش ۳۲، صص ۱۴۹-۱۶۶.
- مردانی مریم (آزاده) و فضیله خانی. (۱۳۸۸). «تحلیل رابطه سطوح توسعه انسانی و جنسیتی با شاخص های محرومیت و بهره مندی باروری»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۷، ش ۲، صص ۳۱-۵۴.
- مامسن، جنت هنشل. (۱۳۸۷). جنسیت و توسعه، ترجمه: زهره فنی، انتشارات دانشگاه تهران.
- شیبانی، ابراهیم و زهرا افشاری. (۱۳۸۲). «نابرابری جنسیتی و توسعه اقتصادی در ایران»، تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، بهار و تابستان، ش ۶۲، صص ۱۵۱-۱۷۴.
- مرکز پژوهش های مجلس. (۱۳۸۷). جنسیت و توسعه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA).
- موسوی خامنه مرضیه؛ ودادهیر، ابوعلی و نسرین برزگر. (۱۳۸۹). «توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان (نتایج مطالعه ای بین کشوری)»، زن در توسعه و سیاست پژوهش زنان، زمستان، (پیاپی ۳۱): ۵۱-۷۳.